

■ محمد رضا کائینی

از جمله جریاناتی که پس از رویداد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مورد تعقیب قرار گرفتند، حزب توده ایران بود. آن حزب در دوران نهضت ملی ایران نفوذ و گستره فراوان یافت و به طور مشخص در دوره دوم نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، به برخی نهادهای مهم از جمله ارتش نفوذ کرد. این گروه همچنین در ترکنازی خویش در آن دوره، تمامی اصول و فروع دین را به سخره می‌گرفت و از این جنبه بسیاری از علمای دین و متدینین را به دولت مصدق بدبین ساخت. در مقالی که پیش‌روی دارید، آغاز و انجام فعالیت‌های این حزب پس از شهریور ۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ مورد روایت قرار گرفته‌اند.

■ حزب توده در گام آغازین

حزب توده ایران که یک حزب کمونیستی بود، در اواخر سال ۱۳۳۰ توسط سلیمان میرزا و سلیمان محسن اسکندری شاهزاده قجر که سابقه و کالت و وزارت نیز داشت<sup>(۱)</sup>، رسماً تأسیس شد. نخستین محل این حزب خانه سلیمان میرزا در خیابان ژاله بود. او روزنامه‌ای هم به نام توده مردم منتشر کرد. سلیمان میرزا اگرچه در سالیانی طولانی از حیات خویش فلج بود و توان حرکت نداشت، ولی سیاست‌پیشه‌ای تیزهوش بود و ذهنی برنامهریز و مدیر داشت. او در بهمن ۱۳۳۲ درگذشت.

■ حزب توده پس از سلیمان میرزا اسکندری

پس از مرگ سلیمان میرزا اسکندری، حزب توده به رهبری کمونیست‌های معروف ایرانی چون ایرج اسکندری (برادرزاده سلیمان میرزا)، دکتر فریدون کشاورز، دکتر مرتضی زیدی، عبدالصمد کامبخش، رضا روستا، دکتر رادمنش، نورالدین کیانوری، احسان طبری، رحیم نامور و... فعالیت گسترده خود را آغاز کرد و دفتر مرکزی حزب در خیابان فردوسی پایین تأسیس شد. در این دوره روزنامه‌های رهبر، مردم، ظفر، شهپاز و چند روزنامه و هفته‌نامه وابسته دیگر از سوی حزب یا با کمک حزب منتشر شد. ترجمه کتاب‌هایی از آثار کارل مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوتسه توگ نیز در میان افراد حزب توزیع می‌شد. نظر به‌های مندرج در این کتاب‌ها برای گروه‌گان به حزب توده مایه فکری و ذهنی تازه می‌ساخت. با نبود عدالت اجتماعی و اختلاف فاحش طبقاتی و نیز وجود محرومیت شدید در زندگی توده‌های کپرآمد جامعه و به‌خصوص طبقه کارگر، تبلیغات گسترده حزب توده با وعده‌های طلایی در فضای باز سیاسی آن زمان در همه جا، به‌خصوص در کارخانه‌ها و محیط‌های کارگری مؤثر می‌افتاد. از این‌رو حزب توده در شهرهایی چون آبادان، اصفهان و نیز در راه‌آهن و دیگر کارخانه‌ها در میان طبقه کارگر در سازمان‌های فرهنگی و اداری کشور نیز کم و بیش راه جست.

■ حزب توده و یارگیری از ارتش

حزب توده از سال ۱۳۳۳ به‌طور مخفی سازمان حزبی افسران وابسته به حزب توده را تأسیس کرد و به‌تدریج بیش از ۷۰۰ افسر و درجه‌دار از نیروی زمینی، هوایی، شهربانی و ژاندارمری به این سازمان پیوستند. این گروه تماماً به شکل سبزی فعالیت می‌کردند و خود نیز به گونه‌ای کاملاً مخفیانه نارنجک و دینامیت می‌ساختند. سازمان افسران حزب توده برای سرنگون کردن رژیم شاه و استقرار رژیم کمونیستی، مؤثرترین قدرت اجرایی آن حزب بود و سران حزب به گمان خود استقرار رژیم کمونیستی را تنها راه نجات توده‌های محروم می‌دانستند و در راه رسیدن به این هدف از حمایت دولت شوروی نیز برخوردار بودند.

در باره حزب توده در شوروی مرکزی حزب، به‌طور محرمانه تصمیم گرفته شد و ناصر فخرآرایی که مأمور ترور شاه بود، تحت تعلیم مستقیم کیانوری مسئول کمیته شهر تهران قرار داشت. او قرار بود در جشن ورزشی چهارم آبان ۱۳۳۷ در امجدیه شاه را از پای در آورد، ولی موفق نشد و اجرای طرح ترور به روز ۱۵ بهمن همان سال موکول شد. در این روز شاه برای یادبود تأسیس دانشگاه تهران، به این محل می‌رفت. فخرآرایی برای انجام مأموریت خود و امکان حضور در دانشگاه و نزدیکی با شاه، کارت خبرنگاری روزنامه پرچم اسلام و نیز کارت خبرنگار عکاس روزنامه فریاد ملت را در اختیار داشت، ولی کارت اخیر بی‌تاریخ و ساختگی بود و فخرآرایی با همان کارت خبرنگاری پرچم اسلام که صبح همان روز ۱۵ بهمن تا امضای دکتر فقیهی شیرازی مدیر روزنامه صادر شده بود توانست به دانشگاه راه یابد و در آن آئین ویژه شرکت جوید. ترور شاه بر اثر خطای ضراب در هدف‌گیری دقیق و نیز بر اثر جست‌وجی‌های مداوم شاه‌نوازه‌ای ماند، شاه به بیمارستان شماره ۲ ارتش رفت و جای گلوله در لب و پشت او توسط دکتر پارسا و دکتر نجف‌زاده، به شکلی مختصر جراحی و پانسمان شد و پس از عمل جراحی کوچک به کاخ سلطنتی بازگشت و ۱۰ روز استراحت کرد.

ناصر فخرآرایی که پس از ناموفق ماندن طرح، سلاح کمری خود را به زمین انداخته بود، در همان محل برگراری آئین ۱۵ بهمن، جلوی دانشکده حقوق با شلیک گلوله مأموران گارد و سر تیپ صفاری رئیس شهربانی از پای در آمد و همان روز همدستان او عبدالله کانی، اشتری، تقفی، عزت کیفچیان (همسر) و مهین اسلامی (دوست او) بازداشت شدند. در بیمارستان سپهبد رزم‌ار رئیس ستاد ارتش از شاه عیادت کرد. در همان روز شاه دستور بستن حزب توده و دستگیری سران آن حزب را صادر کرد.<sup>(۲)</sup>

■ آغاز سرکوب حزب توده به دستور محمدرضا پهلوی

این حادثه فرصت مناسبی برای سرکوبی حزب توده فراهم آورد. در شب ۱۶ بهمن مراکز و دفاتر حزب توده از سوی مقامات فرمانداری نظامی اشغال شد و به موجب قانون مصوب ۱۶ بهمن حزب توده غیرقانونی شناخته شد و عده‌ای از سران آن دستگیر، زندانی و محاکمه شدند و عده‌ای گریختند. از آن

پس فعالیت حزب توده به‌طور مخفی و به صورت عملیات زیرزمینی ادامه یافت<sup>(۳)</sup> و نیز شاه از این عملیات برای تشکیل مجلس مؤسسان به‌منظور افزودن اختیارات خود و اصلاح اصل ۴۴ و ۴۸ قانون اساسی استفاده کرد. در زمانداری دکتر مصدق فعالیت حزب غیر قانونی توده آشکار شد، چون دکتر مصدق به‌جای حل مشکل نفت و رفع بحران اقتصادی با آزاد گذاشتن فعالیت این حزب - که برای برانداختن رژیم شاه با مصدق هدف مشترک داشت - می‌خواست دولت‌رمان آمریکا را از خطر سلطه کمونیسم بر ایران بیم دهد و از آن کشور برای رفع بحران اقتصادی کمک مالی بگیرد.

■ حزب توده پس از ۲۸ مرداد

حزب توده در دوران نهضت ملی با استفاده از حمایت مصدق و با گسترش سازمان مخفی نظامی در ارتش ایران، بر آن بود که در فرصت مناسب با یک حرکت سریع و انجام کودتای سرخ قدرت را در دست بگیرد،<sup>(۴)</sup> ولی با وقوع کودتای ۲۸ مرداد این فرصت را نیافت. شماری از سران حزب توده بازداشت و شماری متواری شدند، اما سازمان نظامی حزب فعالیت مخفی و زیرزمینی خود را زیر نظر هیئت دبیران و هیئت اجرایی کمیته نظامی به‌طور بسیار پوشیده‌آمده می‌داد و افسران عسوانی سازمان مخفی نظامی نسبت به سیستم کمونیستی شوروی وفادار بودند. چند کارشناس امور حزبی هم با عنوان کارشناس فنی کارخانه اشکودا از سوی کمینفرم برای کمک در تجدید سازمان نظامی حزب توده به تهران آمدند و به‌طور پنهانی فعالیت کردند. سازمان مخفی نظامی حزب توده زیر نظر سرهنگ سیامک، سرهنگ میشری، سرهنگ امیر افشار بکشلو، سرهنگ عزیزی، سرهنگ کاظم جمشیددی، سرهنگ جلالی، سرگرد وزیریان، سرگرد نصرالله عطار، سروان خسرو روزه و سرگرد محبی بود.<sup>(۵)</sup>

در روز ۲۱ مرداد ۱۳۳۳ مأموران فرمانداری نظامی تهران، سروان اخراجی عباسی عضو سازمان مخفی افسران حزب توده را با یک چمدان دستگیر کردند. تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران با دقت و شدت موضوع را پیگیری کرد و با نشانی‌هایی که از اسناد چمدان سروان عباسی به دست مأموران فرمانداری نظامی افتاد، چند مرکز فعالیت سازمان افسران وابسته به حزب توده شناسایی شد و به‌تدریج قریب ۵۰۰ نفر افسر و درجه‌دار از ارتش، نیروی هوایی، شهربانی و ژاندارمری دستگیر شدند و در دادگاه‌های ویژه نظامی مورد بازپرسی و دادرسی قرار گرفتند.

از این شمار، ۶۹ نفر محکوم به اعدام شدند که مجازات ۴۲ نفرشان با بخشودگی از سوی شاه، به زندان ابد تبدیل شد و ۲۷ نفرشان اعدام شدند.



نظری بر فرجام حزب توده ایران پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

# در سودای کودتای سرخ!



۱۰ نفر از گروه اول این افسران عضو کمیته نظامی حزب توده، از جمله سرهنگ سیامک و سرهنگ میشری در ساعت ۶ بامداد ۲۷ مهر در میدان تیر لشکر ۲ زرهی تیرباران شدند، ۹۲ نفر نیز به زندان دائم و ۱۱۹ نفر به ۱۵ سال حبس و ۷۹ نفر به ۱۰ سال حبس و ۸۹ نفر به زندان‌های ۱۸ ماه تا پنج سال و اخراج از خدمت محکوم شدند و سازمان مخفی نظامی افسران حزب توده به این ترتیب از هم پاشید.<sup>(۶)</sup> چند ماه بعد هم دکتر مرتضی زیدی و ۱۹ نفر دیگر از سران حزب توده دستگیر و به محاکمه کشیده شدند. چاپخانه حزب توده نیز در یک ساختمان مجلد در داودیه کشف و توقیف شد. نشریات حزب توده محرمانه در این چاپخانه به چاپ می‌رسید و در یک مغازه کاروان فروشی در خیابان زرین‌نعل و همچنین در کاروان مهرگان در دروازه شمیران به‌گونه مخفی پخش می‌شد. این دو محل نیز بسته شدند و مسئولان آن دو مکان هم تحت پیگرد قانونی در آمدند. سازمان جوانان حزب توده نیز دستگیر و بسته شد و شماری از مسئولان آن سازمان نیز تحت تعقیب فرمانداری نظامی قرار گرفتند.

■ راز عدم توفیق حزب توده در ادامه راه

پس از برخورد رژیم شاه با رهبران حزب توده، سران شاخص آن به خارج از کشور گریختند. در دوران نهضت اسلامی ایران نیز بقایای این جریان تلاش زیادی کردند تا در صاف انقلابیون جای بگیرند، امری روستانشینان سنتی به شکست بینجامد. پس از موسوم توده ایران در اصول اساسی و مشی سیاسی خویش متعهد شده بود «از عقیده مارکسیسم و کمونیسم میرا باشد» اما سیر رخدادها نشان داد این حزب، کانون ترویج باورهای سوسیالیستی است و ارتباطی سازمانی با احزاب بلوک شرق، اروپای شرقی و همه کشورهای سوسیالیستی دارد. علاوه بر آنکه دولت پهلوی به شدت از مارکسیسم هراس داشت و مبارزه ویژه‌ای علیه مارکسیست‌ها به راه انداخته بود، هراس اعضای حزب توده از واکنش‌های منفی مردم باعث شد در ابتدا هیچ نشانی از عقاید مارکسیستی خود به میان نیآورند و در شرایطی که احزاب چپ جهان، عموماً مارکسیستی یا سوسیالیستی بودن را در نام خود می‌گنجاندند، اما پایه‌گذاران آن نام حزب را «حزب توده ایران» گذاشتند تا از برخورد پلیسی رژیم پهلوی در امان بمانند و مردم نیز از آنان روی گردان نشوند. اقداماتی که چندان هم مؤثر نیفتاد و اعضای حزب توده را به کام زندان، اعدام و موارد دیگر کشاند. حزب توده در میان مردم نیز چندان خوش‌چهره نبودند و حتی «ملحد» و «جنس» خوانده می‌شدند.

با این حال گذر زمان، ترویج ایدئولوژی‌های چپ و مارکسیستی و تعلیم مارکس، انگلس، لنین،

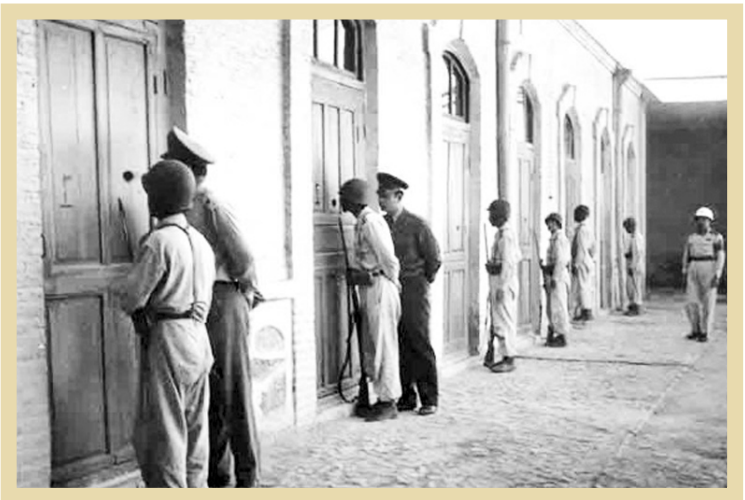


تاریخچه از جلسات حزب توده در اواخر دهه ۳۰

از جمله جریاناتی که پس از رویداد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مورد تعقیب قرار گرفتند، حزب توده ایران بود. آن حزب در دوران نهضت ملی ایران نفوذ و گستره فراوان یافت و به طور مشخص در دوره دوم نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، به برخی نهادهای مهم از جمله ارتش نفوذ کرد. این گروه همچنین در ترکنازی خویش در آن دوره، تمامی اصول و فروع دین را به سخره می‌گرفت و از این جنبه بسیاری از علمای دین و متدینین را به دولت مصدق بدبین ساخت

استالین و حتی تبعیت حزب توده از خواست‌های سیاسی آنها نشان داد که آرمان‌های حزب توده از دل مارکسیسم و آموزه‌های رهبران شوروی صادر می‌شود؛ نه از دین و سنت اسلامی و آموزه‌ها و فرهنگ مردم ایران. همین رویکردها باعث شد تلاش‌های حزب توده در ۴۲ سال حیات خود برای راه یافتن به ذهن و زبان مردم مسلمان و مخصوصاً روستانشینان سنتی به شکست بینجامد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷ نیز این رویکردها را برگراری مناقشات تئوریک پیش از برداشت. در این مناظره‌ها که از اول خرداد ۱۳۶۰ آغاز شد، شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله بهشتی از حزب جمهوری اسلامی، نورالدین کیانوری از حزب توده ایران، دکتر حبیب‌الله پیمان از جنبش مسلمانان مبارز و مهدی فتاویز از سازمان فدائیان خلق ایران حضور داشتند. توده‌های هر دو طرف در بیان کردند تا مشخص شود ایدئولوژی و اهداف بلوک شرق، تا چه اندازه از تعلیم اسلامی و اهداف جمهوری اسلامی جهان، عموماً مارکسیستی یا سوسیالیستی بودن را در نام خود می‌گنجاندند، اما پایه‌گذاران آن نام حزب را «حزب توده ایران» گذاشتند تا از برخورد پلیسی رژیم پهلوی در امان بمانند و مردم نیز از آنان روی گردان نشوند. اقداماتی که چندان هم مؤثر نیفتاد و اعضای حزب توده را به کام زندان، اعدام و موارد دیگر کشاند. حزب توده در میان مردم نیز چندان خوش‌چهره نبودند و حتی «ملحد» و «جنس» خوانده می‌شدند.

■ بی‌نوشت‌ها در سرویس تاریخ «جوان» موجودند.



کنترل سول‌های زندانیان حزب توده از سوی مأموران پس از ۲۸ مرداد

## پیش‌خوان

گذر و نظری بر اثر تاریخی «جمعیت فدائیان اسلام به روایت اسناد»

### روایت یک تکاپوی آرمانگر ایانه

■ احمد گل محمدی  
اسناد مورد استفاده در پژوهشی که در این مقام معرفی می‌شود، اسناد موجود در «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» است که باروش خاصی بررسی و از آنها بهره‌برداری شده‌است. نخست همه اسناد مرتبط به موضوع شناسایی شدند که در مجموع بیش از ۷ هزار سند بودند، سپس اسناد شناسایی شده مطالعه و از آنها فیش‌برداری شد و بیش از ۷۰۰ برگ (حدود ۱۰ درصد) آنها برای بازنویسی و انتشار گزینش شدند.

در تکمیل داده‌های اسنادی لازم برای بازنویسی تاریخ فدائیان اسلام از اسناد موجود دیگر مراکز اسنادی نظیر «مرکز اسناد شهید باهنر» ریاست جمهوری، «سازمان اسناد ملی ایران» و «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر» نیز تا حد ممکن استفاده شده‌است. در گزینش اسناد موارد ذیل مورد توجه قرار گرفتند: ۱- اسناد بازنویسی و منتشر شده تکراری نباشند ۲- اسنادی فیش‌برداری و گزینش می‌شدند که مهم‌تر یا کامل‌تر باشند. ۳- اسنادی فیش‌برداری و گزینش شده‌اند که در لحاظ موضوعی و زمانی کسبیت‌ها و شکاف‌هایی دارند. در برخی موارد حجم اسناد مربوط به دو رویداد متفاوت، ولی دارای اهمیت نسبتاً برابر تناسب چندانی با هم ندارند. به بیان روشن‌تر درباره یک رویداد اسناد فراوانی وجود دارد، در حالی که اسناد مربوط به رویدادی به همان اندازه مهم بسیار کمتر است. به عنوان مثال اسناد مربوط به فعالیت‌های روزانه سیدحسین امامی، برادر حسین امامی از لحاظ شمار و دقت با هیچ کدام از دیگر اعضای فعال جمعیت فدائیان اسلام، به استثنای نواب و واحدی قابل مقایسه نیست و مأموران ویژه شهرستانی تقریباً بیشتر اقدامات و فعالیت‌های سیدحسین را ثبت و ضبط کرده‌اند. از لحاظ زمانی هم چنین عدم تناسبی در شمار و دقت اسناد وجود دارد. ۲- اگرچه بخش عمده‌ای از اسناد مربوط به فعالیت‌ها و اقدامات مختلف جمعیت فدائیان اسلام دقیق هستند، اما در برخی اسناد نیز



۱۳۳۲ شهید نواب محمودی در گفت‌وگو با خبرنگار جوان پس از مسافرت به کشورهای عربی

دقت چندانی مشاهده نمی‌شود و حتی اسنادی وجود دارند که محتوای آنها از لحاظ ثبت و ضبط رویدادها، به‌ویژه تاریخ و رویدادها متناقض است. به عنوان نمونه درباره سفر نواب به کاشان یا اقدامات عبدخدایی و حسن امامی در مشهد چنین اختلافات و تناقضاتی وجود دارد که البته در مواردی می‌توان این اختلافات و تناقضات را کمک منابع و اسناد مشابه دیگر حل کرد. ۳- همچنین گزارش‌هایی وجود دارند که مبنای آنها شایعات و احتمالات است. اینگونه گزارش‌ها که معمولاً با عباراتی مانند «شنیده می‌شود»، «شایعه شده است»، «احتمال می‌رود»... آغاز می‌شوند، بر مبنای شایعات، حدس و گمان‌های موجود در جامعه تهیه شده‌اند و به همین دلیل اعتبارشان محدود است. به‌نظرمی‌رسد البته خوداین شایعات و احتمالاتی موجود در این گزارش‌ها که شاید با هدف و برنامه معینی توسط احزاب و گروه‌های مختلف یا حتی خود حکومت رواج می‌یافت تا حدودی به بازنویسی تاریخ جمعیت فدائیان اسلام کمک می‌کنند. ناگفته‌نماند چنین شایعات و احتمالاتی گاهی در گزارش‌های بعدی تکذیب و رد و گاهی هم واقعیت داشتن آنها آشکار شده‌است.

گرچه از جنبه‌های گوناگون، اسناد نوشتاری گردآوری شده درباره فدائیان اسلام دقیق و کامل هستند، اما به‌منظور عرضه تصویری گویاتر از جمعیت فدائیان اسلام تلاش شده‌است از اسناد تصویری هم استفاده شود. بدین منظور با استفاده از آرشیو تمامی عکس‌های مرتبط موجود در آرشیو عکس مرکز اسناد انقلاب اسلامی را جست‌وجو کرده و شماری از آنها را که شناسایی شده بودند در این مجموعه گنجانده‌ایم. به هر حال مجموعه اسنادی که روش شناسایی، گزینش و ویژگی‌های آنها به اختصار بیان شد، منبع اصلی این روایت تاریخی هستند و نگارنده بر آن است حتی‌الامکان بازنویسی تاریخ جمعیت فدائیان اسلام را با بهره‌گیری از این اسناد مستندتر و معتبرتر سازد و در صورت ضعف یا فقدان سند از منابع دیگر، به‌ویژه کتب و مقالات تاریخی موجود استفاده کند.

این گزارش‌ها که اغلب به‌صورت روزانه تهیه و ارسال شده‌اند، فعالیت‌های گوناگون جمعیت، به‌ویژه اجتماعات، سخنرانی‌ها، برگزاری مراسم سیاسی - مذهبی، تظاهرات، عضوگیری، برنامه‌ریزی و... را به‌خوبی روشن می‌کنند. بخش دیگری از اسناد مکاتبات بین سازمان‌های مختلف به‌خصوص شهرستانی، وزارت کشور، وزارت جنگ، فرمانداری نظامی و نخست‌وزیری را پوشش می‌دهند که محتوای آنها هم عمدتاً به فعالیت‌های گوناگون جمعیت فدائیان اسلام، نواب صفوی و دیگر اعضای فعال جمعیت و گزارش‌های مسئولان نظامی و نظامی می‌شود. برای مهار و سرکوب جمعیت مربوط می‌شود. راجع به رفتار فدائیان زندانی شده و نحوه برخورد زندانیان دیگر و مقامات زندان با آنها نیز مکاتبات و وقایع سال بعد نیز وابستگی این جریان به خارج از کشور را با صراحت بیشتری نشان داد. در نهایت نیز با دستگیری سران این حزب، پرونده این جریان سیاسی پر قدمت بسته شد و فعالیت آن نیز خاتمه یافت.